

## نگاهی به کتاب «سرگذشت زندان»

# تاریخ و توصیف زندان



بیژن مومیوند

با دیدن کتاب «سرگذشت زندان» بلافاصله به یاد یک کتاب و یک فیلم می‌افتیم؛ کتاب «مراقبت و تنبیه» میشل فوکو و فیلم «پرنده‌باز الکتراز» جان فرانکن هایمر. همان‌طور که در مقدمه ویراستاران کتاب آمده میشل فوکو بیشترین پژوهش‌های تاریخی را درباره زندان و مجازات انجام داده و ترجمه کتاب «مراقبت و تنبیه» او چند سال پیش توسط افشین جهان‌نیده و نیکو سرخوش از سوی نشر نی به بازار کتاب عرضه شده بود که با استقبال خوبی هم مواجه شد و به چاپ نهم رسیده است. فوکو ماهیت شکنجه‌های وحشیانه قرون وسطایی یا مجازات‌های بسیار نرم و حتی غیرمحسوس کنونی را یکی و هدف همه آنها را تحت کنترل و انقیاد قرار دادن رفتار ناهنجاران می‌داند. به بیان فوکو در شیوه‌های مراقبتی و کیفری پیشامدرن روش‌های وحشیانه شکنجه و آزار بدنی به کار می‌رفت. اما به تدریج از قرن هجدهم به بعد مجازات‌های بدنی جای خود را به مجازات‌های ظریف روانی داد. از این تاریخ مجازات‌های جدید، روح را آماج خود قرار داد، مجموعه کیفرشناسی جدید به جانب مراقبت فراگیر معطوف شد. از این تاریخ به بعد زندان‌ها، مدارس و آسایشگاه‌های روانی به منظومه‌هایی از نظارت فراگیر تبدیل شد که فرد را در معرض مراقبت دائمی و بدون وقفه قرار می‌داد و به تپه‌په پرنده و گزارش‌هایی تفصیلی از رفتار فرد و تدوین شناخت‌شناسانه از این داده‌ها مدد می‌رساند. در این منظومه که فوکو آن را «میکروسکوپ قدرت» می‌نامد، گفتمان علمی، اجتماعی و کیفیات سیاسی قدرت و ذهنیت فردی با هم تلاقی می‌کنند و به صورتی ظریف و پیچیده بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. او در صفحات پایانی «مراقبت و تنبیه» می‌نویسد: «گر یک مساله سیاسی کلی در مورد زندان مطرح باشد، این نیست که آیا زندان اصلاح‌گر است یا نه؛ آیا قضات، روان‌پزشکان یا جامعه‌شناسان قدرت بیشتری را در زندان اعمال می‌کنند یا گرداندگان و مراقبان؛ در نهایت، حتی مساله بر سر گزینه زندان یا چیزی غیر از زندان هم نیست، بلکه اکنون مساله عبارت است از اوج‌گیری

عظیم سازوکارهای بهنجارساز و گستره و وسعت اثرهای قدرتی که این سازوکارها از رهگذر استقرار ایزکتیویته نوین به‌همراه می‌آورند.» برخلاف نگاه و رویکرد منفی فوکو به زندان و مجازات حبس و سازوکار پیدا و پنهان حول و حوش آن، فرانکن هایمر در «پرنده‌باز الکتراز» با وجود به تصویر کشیدن محیط سخت و عذاب‌دهنده زندان معروف الکتراز، که مقر جنایتکاران حرفه‌ای بود، روایتی از زندگی آدمکشی معروف به نام رابرت فرانکلین استرود (با بازی برت لنکستر) را به تصویر می‌کشد که در فرآیند حبس خود دچار استحاله می‌شود و از خلق و خوی تبهکاری خارج و به یک متخصص صاحب سبک در حوزه پرورش و زندگی پزندگان تبدیل می‌شود. در واقع در فیلم فرانکن هایمر معتقد است که حتی در شرایط سخت زندان هم امکان داشتن زندگی لذت‌بخش و متعالی وجود دارد. البته در کنار این دو روایت هم در ادبیات و هم در هنر روایت‌ها و توصیفات دیگری هم از زندان و زندانیان وجود دارد که از جمله می‌توان به فیلم «هایی از شاونینگ» فراک دارابونت و رمان «خاطرات خانه مردگان» داستایوفسکی اشاره کرد.

### رویکردی تاریخی و پژوهشی

کتاب «سرگذشت زندان» پژوهشی است که از سوی یکی از مهم‌ترین مراکز آکادمیک (دانشگاه آکسفورد) تدوین شده و به تغییرات فضایی و کیفری درباره زندان در جامعه غرب می‌پردازد. مجموعه مقالات کتاب نوشته ۱۳ استاد رشته حقوق قضایی و ویراستاری نوروال مورس و دیوید ج. روتمن است که پرتو اشراق آن را به فارسی برگردانده و انتشارات ناهید به بازار نشر عرضه کرده است. کتاب دارای دو بخش و ۱۴ فصل است. بخش اول شامل هشت فصل است و فصل اول آنکه عنوان «زندان» پیش از زندان: جهان باستان و جهان وسطی» را بر پیشانی دارد نشان می‌دهد که از سباه‌چال‌های قدیم تا زندان‌های امروزی چه سیری سپری شده است. در فصل دوم با عنوان «قانون و جمهوری» می‌توانید یکی از بحث‌های خواندنی کتاب (داستان مجازات‌های شلاق در میداین شهر در هلند و آلمان و دیگر ممالک اروپایی در قرون وسطی و اعدام در ملاعام) را بخوانید. فصل سوم

به زندان‌های انگلستان در فاصله ۱۷۸۰ تا ۱۸۶۵ اختصاص یافته است و فصل چهارم به زندان‌های آمریکا در ۱۷۸۹ تا ۱۸۶۵ می‌پردازد. در این فصل همچنین می‌توانید درباره طرحی که جرمی بنتام برای زندان تهیه کرده بود و اثری که تلاش‌های او درباره زندان است مطالبی بخوانید. فصل پنجم هم به زندان‌های عصر ویکتوریا (۱۸۶۵ تا ۱۹۶۵) اختصاص دارد و ملی شدن زندان‌های محلی در این زمان مورد بحث قرار می‌گیرد. فصل ششم با عنوان «شکست اصلاحات» درباره زندان‌های ایالات متحده آمریکا در ۱۸۶۵ تا ۱۹۶۵ و ترقی بعد از جنگ و باز کردن در زندان به روی مردم بحث می‌کند. فصل هفتم درباره وضع زندان‌های اروپا در همان مقطع زمانی ۱۸۶۵ تا ۱۹۶۵ است که مجازات‌های نوین بدون حبس و اصلاحات کیفری پس از جنگ جهانی دوم مطرح می‌شود. هشتمین فصل که واپسین فصل بخش اول است به زندان معاصر از ۱۹۶۵ تا امروز اختصاص یافته است. جذاب‌ترین قسمت این فصل استفاده از خاطرات زندگی یک روز یک زندانی است و در ابتدای خاطرآتش فضای کلی زندان را به خوبی چنین ترسیم می‌کند: «زندگی در زندان به هیچ‌وجه آن‌طور نیست که روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌ها می‌گویند یا در فیلم‌ها نمایش می‌دهند. روزهای زندان به زد و خورد و کتک کاری و شائک (چاقوهای دست‌ساز زندان) و کارهای عجیب و غریب نمی‌گذرد. با این حال همیشه باید مواظب باشید که در مساله‌ای دخالت تکنیکه که برای شما در دسر بیابرد و درگیر شوید و مجبور باشید خشونت کنید. هر لحظه امکان ظهور و بروز خطر هست. خطر در زندان آتش زیر خاکستر است. باید سعی کنید سرتان به کار خودتان باشد، سر به سر کسی نگذارید و با پیش گرفتن راه‌های عاقلانه و منطقی تا می‌توانید از معرکه‌ها دور بمانید تا صدمه‌ای به شما وارد نشود.



برای من و بسیاری دیگر مثل من خشونت مساله اصلی نیست. مساله اصلی که ما را از پا درمی‌آورد این یکنواختی سنگین است. آنچه زندگی را در زندان تاریک و تنگ می‌کند همین است. تبیلی و تگرانی مرا از پانداخته است. دیگر هیچ چیز برایم اهمیت ندارد. هر کسی بالاخره (شاید) یک روز از زندان آزاد می‌شود، ولی تا آن روز که نمی‌داند چه روزی است ذره ذره خواهد مرد. بخش دوم کتاب با نام «تم و واریاسیون‌ها» شامل شش فصل است که در آن مباحثی چون «تجربه استرالیایی»، «ختسین بازداشتگاه‌های انگلیسی»، «زندان زنان»، «زندان کودکان بزهکار»، «زندان سیاسی» و «لبیات زندان» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. «سرگذشت زندان» هم روایتگر فراز و نشیب سیر تاریخی زندان در غرب است و هم تلاش دارد از فضای زندان‌های هر دوره تصویری موجز و واقع‌گرایانه ارائه دهد.

سرگذشت زندان / (روش مجازات در جامعه غرب) / گردآورندگان: نوروال مورس و دیوید ج. رتمن / ترجمه پرتو اشراق / انتشارات ناهید

## درباره «قومیت و جوامع غیر غربی»

# مارکس در حاشیه‌ها

### یاشار دار الشقا:

باز هم مارکس، باز هم یک شگفتی دیگری از این فیلسوف بزرگ هزاره این بار به قلم یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران اندیشه مارکسیستی، یعنی کوین ب. آندرسن با عنوان اصلی «مارکس در حاشیه‌ها» و عنوان فرعی «قومیت و جوامع غیر غربی» کوین ب. آندرسن کم‌کم دارد چهره شناخته‌شده‌ای در ایران می‌شود. نخستین بار در ایران او را با مقاله‌ای که درباره نوشته ناشناخته‌ای از مارکس با عنوان «پوشه و خودکشی» که در مجموعه‌ای با نام «مارکس و خودکشی» توسط حسن مرتضوی ترجمه شده بود، شناختند. سپس به عنوان ویراستار آثار رزا لوکزامبورگ در کتاب «گزیده آثار رزا لوکزامبورگ» باز هم به ترجمه مرتضوی و دست آخر به عنوان یکی از پژوهشگران شناخته‌شده مجموعه آثار مارکس و انگلس (MEGA2) با مقدمه‌ای بر ترجمه مجدد جلد اول «سرمایه» سال ۱۳۸۳ که به همراه همسرش ژانته آفاری [به ایران سفر کرده بود، مقاله‌ای را با عنوان «تحلیلی از نوشته‌های متأخر مارکس» در اختیار روزنامه «شرق» قرار داد که حاوی بخشی از پژوهش گسترده‌اش با عنوان «مارکس در حاشیه‌ها» بود.

جذابیت کتاب حاضر بیش از آن چیزی است که در عنوانش مستتر است. آندرسن در این اثر از بخش دیگری از ناشناخته‌های مارکس بهره‌برداری می‌کند: یادداشت‌های سال‌های ۱۸۸۲-۱۸۷۹ مشهور به «دفاتر قوم‌شناسی». بنا به گفته آندرسن این مجموعه «بالغ بر ۳۰۰ هزار کلمه است و عمدتاً مربوط به تحقیقات

آنها نسبت به دیگر آثار مارکس یک خطای هستی‌شناسانه و نیز روش‌شناسانه است که تنها دستاوردش پاک کردن این صورت‌مساله است که «واقعاً چرا مارکس در اواخر عمر خود به عوض وقت گذاشتن برای اتمام مجلدات اثر سترگ خود (سرمایه) سراغ جوامعی با ساختارهای اجتماعی غیرطبقاتی نظیر «جلوه» رفت؟» پنج‌جاست که حالا تأکید مک لالن بر اینکه «مارکس هرگز واژگان «ماتریالیسم تاریخی» را به کار نبرد، صرفاً نکته‌ای زیانناختنی نیست، بلکه نشان‌دهنده ماهیت گشوده رویکردش به تاریخ است که ترجیح می‌داد آن را «مفهوم مادی تاریخ» بنامد» اهمیت جدی‌ای پیدا می‌کند. اهمیت کار آندرسن را باید در دست گذاشتن بر این چرخش نظری تعیین‌کننده دانست که مارکس آرام‌آرام از یک رویکرد «فلسفی» به تاریخ به یک رویکرد «تجربی» چندگانه روی آورد. در واقع به سبب نادیده انگاشتن همین چرخش نظری هم هست که بسیاری از منتقدان مارکس او را به «اروپامحوری» و نگاه «استعماری» نسبت به جهان غیر غربی محکوم کرده‌اند؛ حال آنکه آندرسن ضمن تأیید اینکه چنین نگاهی در مارکس وجود داشته است اما از همگان می‌خواهد که چرخش نظری مذکور را جدی‌تر ببینند. دشواری انجام چنین کاری است که آندرسن را به دلیل ۱۰ سال پژوهش برای نگاشتن اثر حاضر، شایسته دریافت «جایزه کتاب جامعه‌شناسی پل سوییزی» کرده است.



حسن مرتضوی یکبار دیگر به ما نشان داد که تقریباً بخش اعظم آنچه را که درباره مارکس می‌دانیم خیلی ربطی به خود مارکس ندارد. اینک در بحبوحه انقلابات عربی قرن ۲۱ و اعتراضات مردمی نسبت به سیاست‌های ریاضتی دولت‌ها و انحصارهای مالی، گویی مارکس حی و حاضر در حال رصد کردن امور، مشغول نوشتن است. پس از گذشت بیش از یک قرن از روایت‌های مختلف از مارکسیسم، آندرسن ما را دعوت می‌کند تا روایت راوی اعظم را بشنویم.

سایر نویسندگان، که بسیاری از آنها انسان‌شناس هستند، طیف گسترده‌ای از جوامع و دوره‌های تاریخی، از جمله تاریخ و فرهنگ روستایی هند، استعمار هلند و اقتصاد روستایی در اندونزی، الگوهای جنسیتی و خویشاوندی در میان آمریکایی‌های بومی و یونان و روم و ایرلند باستان و مالکیت اشتراکی و خصوصی در الجزایر و آمریکای لاتین را در بر می‌گیرد. هر چند پیش از این دیوید ریانف، پژوهشگر فقید شوروی و به یک معنا بنیانگذار مجموعه آثار مارکس و انگلس به وجود این دفاتر بی برده بود اما پرآکنده‌گی موضوعی آنها و نیز بی‌ربطی در ظاهرش به دیگر آثار شناخته‌شده مارکس، او و دیگر پژوهشگران آن سال‌ها را بر آن می‌داشت تا این پرآکنده‌گی را به حساب «سلامتی ازم‌گسیخته‌ی» سال‌های پایانی حیات مارکس بگذارند و آن را «فضل فروشی ناموجه» به شمار آورند.

آندرسن می‌کوشد با قرار دادن این دفاتر در کنار «صورتبندی‌های اقتصاد پیشاسرمایه‌داری» در گردن‌دریسه، ویراستار فرانسه جلد یکم «سرمایه»، نوشته‌های مارکس

برای نشریات مختلف درباره هندوستان، روسیه، لهستان، ایرلند، آمریکا و نیز نامه‌نگاری‌هایش با مبارزان دیگر نقاط جهان، همچون ورا زاسولویچ (تبعیدی روس)، یک نظریه جدید درباره «مارکس به عنوان نظریه‌پرداز تکامل چندرسانایی تکامل تاریخ» ارائه کند. به نظر آندرسن به کنار گذاشتن نوشته‌های فوق با نامربوط دانستن